

اللَّهُمَّ احْمِ
الْحَمِيمَ الْكَرِيمَ!

تحریم‌ها، بریکس و اتحادیه اقتصادی اوراسیا

حمیدرضا رمضانپور^۱

مجید توسلی رکن‌آبادی^۲

چکیده

در دنیای امروز، تحریم‌های اقتصادی غرب، ابزار فشار برای تغییر رفتار سیاسی کشورهای هدف هستند. این تحریم‌ها افزون بر اثرات مستقیم، روابط بین‌المللی را دگرگون و همکاری‌های منطقه‌ای را تقویت می‌کنند. سؤال اصلی این مقاله این است که تحریم‌های غرب در فاصله ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۴ چه نقشی در تقویت بریکس و اتحادیه اقتصادی اوراسیا داشته است؟ فرضیه اصلی مقاله این است که این تحریم‌ها الگوهای تجاری را تغییر داده و فرایندهای اقتصادی مستقل از غرب را تسریع کرده‌اند. در این مطالعه، با استفاده از روش تحلیل تطبیقی مبتنی بر اسناد و داده‌های تاریخی است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که، تحریم‌ها به‌ویژه پس از بحران‌ها، همکاری‌های اقتصادی، تجاری و سیاسی اعضا را افزایش داده‌اند و در نهایت تحریم‌های غرب می‌توانند نقش مثبت در تقویت سازمان‌های غیرغربی داشته باشند، اما چالش‌هایی در همگرایی داخلی و مدیریت منابع وجود دارد.

▪ واژگان کلیدی:

تحریم‌های غرب، بریکس، اتحادیه اقتصادی اوراسیا، سازمان‌های منطقه‌ای، همکاری اقتصادی، سیاست خارجی.

درجه مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۱۱/۲۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۵/۰۲/۰۱

^۱. دانشجوی دکترای روابط بین‌الملل، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

hamid.ramezanpour9685@iau.ir

^۲. نویسنده مسئول و استاد علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، جمهوری اسلامی ایران. m-

tavasoli@srbiau.ir

مقدمه

در چند دهه اخیر، تحریم‌های اقتصادی به عنوان یکی از ابزارهای اصلی سیاست خارجی کشورهای غربی در مواجهه با کشورهایی که به نظر آن‌ها تهدیدی برای نظم بین‌المللی و منافع اقتصادی و سیاسی غرب محسوب می‌شوند، به کار گرفته شده است. این تحریم‌ها که از طریق محدودیت‌های تجاری، مالی و اقتصادی اعمال می‌شوند، هدفشان وارد آوردن فشار به کشورهای هدف برای تغییر رفتارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آن‌هاست. تحریم‌های غرب به ویژه پس از پایان جنگ سرد و در دوران جهانی سازی، به ابزاری رایج در سیاست‌های خارجی دولت‌های غربی تبدیل شده است. با این حال، به طور غیرمستقیم، این تحریم‌ها می‌توانند تأثیرات گسترده‌ای بر ساختارهای بین‌المللی و روابط میان کشورهای مختلف داشته باشند. یکی از این تأثیرات، تقویت سازمان‌های منطقه‌ای غیر غربی همچون بریکس و اتحادیه اوراسیا است. در شرایطی که کشورهای هدف تحریم در تلاش هستند تا از وابستگی اقتصادی به غرب کاسته و به دنبال افزایش توانمندی‌های اقتصادی، سیاسی و تجاری خود باشند، بسیاری از این کشورها به سمت تقویت همکاری‌های منطقه‌ای حرکت کرده‌اند. در این راستا، سازمان‌هایی مانند بریکس^۱ و اتحادیه اقتصادی اوراسیا^۲ به عنوان نهادهایی که در قالب همکاری‌های منطقه‌ای و اقتصادی عمل می‌کنند، به ویژه در سال‌های اخیر، شاهد رشد و توسعه قابل توجهی بوده‌اند. سازمان بریکس، شامل کشورهای برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی، به عنوان یکی از مهم‌ترین بلوک‌های اقتصادی و سیاسی در جهان مطرح است. این سازمان باهدف ایجاد ترتیبات اقتصادی و سیاسی مستقل از غرب شکل گرفته است و تحریم‌های غربی به ویژه علیه روسیه، یکی از اعضای اصلی این گروه، به طور غیرمستقیم زمینه‌ساز تقویت بیشتر این بلوک اقتصادی بوده است. سازمان همکاری‌های بریکس در سال ۲۰۰۹ با عضویت اولیه برزیل، روسیه، هند و چین تأسیس شده است و تا سال ۲۰۲۴ پس از دو مرحله توسعه به یک نهاد ۱۰ عضوی متشکل از برزیل، روسیه، هند، چین، آفریقای جنوبی، عربستان سعودی، مصر، امارات متحده عربی، ایران و ایتوپی تبدیل و جمعاً حدود ۴۵ درصد از جمعیت جهان را نمایندگی می‌کند. به طور مشابه، اتحادیه اقتصادی اوراسیا که شامل کشورهای روسیه، بلاروس، قزاقستان و چند کشور دیگر است، نیز در مواجهه با تحریم‌های غرب به گسترش همکاری‌های اقتصادی و تجاری خود پرداخته است. اتحادیه اقتصادی اوراسیا که در سال ۲۰۱۵ تأسیس شده، شامل پنج کشور عضو روسیه، بلاروس،

^۱. Brazil, Russia, India, China, South Africa (BRICS)

^۲. Eurasian Economic Union (EAEU)

قزاقستان، ارمنستان و قرقیزستان است و هدف آن تسهیل جریان آزاد کالا، خدمات، سرمایه و نیروی کار میان اعضا است.

این پژوهش به بررسی تأثیر تحریم‌های غرب بر تقویت این سازمان‌های منطقه‌ای غیرغربی، با تمرکز بر بریکس و اتحادیه اقتصادی اوراسیا، می‌پردازد. هدف این تحقیق تحلیل نحوه واکنش این سازمان‌ها به تحریم‌های غربی و ارزیابی چگونگی تأثیر این تحریم‌ها بر فرآیندهای تقویت همکاری‌های اقتصادی، سیاسی و تجاری در این نهادها است. به‌ویژه، این مقاله تلاش دارد تا نشان دهد که آیا تحریم‌های غرب می‌توانند به‌عنوان عاملی برای تسریع روند همگرایی و استقلال اقتصادی کشورهای عضو این سازمان‌ها عمل کنند یا اینکه این تحریم‌ها موجب بروز چالش‌های جدیدی در تعاملات بین‌المللی و داخلی این سازمان‌ها شده است.

روش تحقیق: این پژوهش با استفاده از روش تحلیل تطبیقی و مبتنی بر بررسی داده‌های اقتصادی، سیاسی و تاریخی، به تحلیل نقش تحریم‌های غرب در تقویت همکاری‌های منطقه‌ای بریکس و اتحادیه اقتصادی اوراسیا می‌پردازد. پرسش اصلی آن است که تحریم‌های غرب بین سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۴ تا چه اندازه جایگاه این دو سازمان را تقویت کرده‌اند. فرضیه مقاله آن است که تحریم‌ها با تغییر الگوهای تجاری و تسریع فرایندهای اقتصادی مستقل از غرب، همگرایی درون‌سازمانی را افزایش داده‌اند. یافته‌های این تحقیق می‌تواند به درک بهتر چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی سازمان‌های غیرغربی در جهان جهانی شده کمک کند. ساختار مقاله شامل چهار بخش اصلی است: ابتدا چارچوب نظری پژوهش بر مبنای نظریه منطقه‌گرایی نوین تبیین می‌شود. در بخش دوم، اهداف و پیامدهای تحریم‌های غرب بررسی می‌گردد. بخش سوم به تأثیر این تحریم‌ها بر همکاری‌های منطقه‌ای در بریکس و اتحادیه اوراسیا اختصاص دارد و در بخش چهارم، رویکردهای این دو سازمان در قبال تحریم‌ها تحلیل می‌شود. در پایان، نگارندگان بر اساس داده‌ها و متغیرهای موجود به جمع‌بندی نتایج حاصل از پژوهش می‌پردازند.

چارچوب نظری. در این مقاله، نظریه منطقه‌گرایی نوین^۱ به‌عنوان چارچوبی تحلیلی برای درک و تبیین فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی گروه بریکس و اتحادیه اقتصادی اوراسیا مورد استفاده قرار می‌گیرد. این نظریه که پس از دهه ۱۹۹۰ میلادی توسعه یافت، به بررسی تعاملات پیچیده میان جهانی‌شدن و همگرایی‌های منطقه‌ای می‌پردازد و تأکید دارد که منطقه‌گرایی نوین در بستر جهانی‌شدن و در پاسخ به آن شکل می‌گیرد. برخلاف

^۱. New Regionalism

منطقه‌گرایی قدیم که عمدتاً بر توافقات رسمی بین دولت‌ها و ایجاد بلوک‌های تجاری متمرکز بود، منطقه‌گرایی نوین به فرآیندهای چندبعدی و چند سطحی توجه دارد که شامل بازیگران دولتی و غیردولتی، نهادهای فراملی و تعاملات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است (Ettne & Söderbaum, 2000: 457-47). این رویکرد به تحلیل چگونگی شکل‌گیری و توسعه هویت‌های منطقه‌ای، نهادها و شبکه‌های همکاری در سطوح مختلف می‌پردازد. این نظریه از اواخر دهه ۱۹۸۰ و به‌ویژه پس از جنگ سرد توسط اندیشمندانی همچون بیورن هتته^۱، فردریک سودرbaum^۲، اندرو هارل^۳ و اتیین^۴ توسعه یافت. برخلاف منطقه‌گرایی قدیم که بر توافقات رسمی بین دولتی و بلوک‌های تجاری بسته متمرکز بود، منطقه‌گرایی نوین به فرآیندهای چندبعدی، چندسطحی و فرامرزی توجه دارد.

اصول مهم این نظریه را می‌توان به صورت دسته‌بندی شده زیر بیان کرد: چندبعدی بودن همگرایی: منطقه‌گرایی نوین تنها به اقتصاد محدود نمی‌شود، بلکه ابعاد سیاسی، امنیتی، اجتماعی و فرهنگی را نیز در برمی‌گیرد؛ تنوع بازیگران: افزون بر دولت‌ها، بازیگران غیردولتی، نهادهای فراملی، جامعه مدنی و بخش خصوصی نیز نقش دارند؛ واکنش به جهانی‌شدن: همگرایی منطقه‌ای نه در مقابل جهانی‌شدن، بلکه در تعامل با آن و به‌عنوان پاسخی به چالش‌های آن شکل می‌گیرد؛ ساخت هویت منطقه‌ای: تأکید بر شکل‌گیری هویت‌های منطقه‌ای جدید و بازتعریف مرزهای معنایی همکاری؛^۵ نهادسازی و حکمرانی چندسطحی: ایجاد نهادهای مستقل (مانند بانک توسعه نوین در بریکس) و سازوکارهای هماهنگی فراتر از معاهدات ساده تجاری و؛ چندقطبی‌گرایی و تقابل با هژمونی غرب: منطقه‌گرایی نوین اغلب به دنبال بازتوزیع قدرت در نظام بین‌الملل و کاهش وابستگی به ساختارهای غرب‌محور است.

در این چارچوب، بریکس به عنوان مجموعه‌ای از اقتصادهای نوظهور شامل برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی، نمونه‌ای از منطقه‌گرایی نوین محسوب می‌شود که باهدف تقویت همکاری‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی فراتر از مرزهای جغرافیایی سنتی شکل گرفته است. این گروه با تأسیس نهادهایی مانند بانک توسعه نوین^۵ و ایجاد سازوکارهایی برای هماهنگی در مسائل جهانی، به دنبال ایجاد نظامی چندقطبی در نظام

^۱. Björn Hettne

^۲. Fredrik Söderbaum

^۳. Andrew Hurrell

^۴. Etienne

^۵. New Bank of Development (NBD)

بین‌الملل است. اتحادیه اقتصادی اوراسیا نیز به عنوان نمونه‌ای از منطقه‌گرایی نوین در فضای پسا شوروی ظهور کرده است. این اتحادیه باهدف تسهیل تجارت، هماهنگی سیاست‌های اقتصادی و ایجاد بازار مشترک بین کشورهای عضو، به دنبال تقویت همگرایی اقتصادی و کاهش وابستگی به اقتصادهای غربی است (Oderbaum, 2003:18).

نقش روسیه به عنوان بازیگر اصلی در این اتحادیه و تلاش برای بازتعریف هویت منطقه‌ای اوراسیا، از مباحث مهم در تحلیل‌های منطقه‌گرایی نوین محسوب می‌شود. توجه به مفاهیم منطقه‌گرایی نوین، می‌توان فعالیت‌های بریکس و اتحادیه اقتصادی اوراسیا را به عنوان تلاش‌هایی برای بازتعریف روابط قدرت در نظام بین‌الملل، تقویت همکاری‌های جنوب-جنوب و ایجاد نهادهای مستقل از ساختارهای تحت سلطه غرب تحلیل کرد. این اقدامات نشان‌دهنده گذار از منطقه‌گرایی سنتی به سوی الگوهای پیچیده‌تر و چندبعدی همکاری‌های منطقه‌ای است که در آن‌ها بازیگران متنوع و مسائل گوناگون در سطوح مختلف مورد توجه قرار می‌گیرند (Tuenkel, 2015). در نتیجه، نظریه منطقه‌گرایی نوین با ارائه چارچوبی جامع برای تحلیل پویایی‌های منطقه‌ای، امکان درک عمیق‌تری از فرآیندهای همگرایی و واگرایی در ساختارهای نوظهوری مانند بریکس و اتحادیه اقتصادی اوراسیا را فراهم می‌کند (Ibman & Vinokurov, 2012:160). در مجموع، استفاده از نظریه‌های وابستگی متقابل، واقع‌گرایی و منطقه‌گرایی نوین در چارچوب نظری مقاله، به وضوح کمک می‌کند تا دلایل و پیامدهای تحریم‌های غرب بر تقویت سازمان‌های منطقه‌ای غیر غربی تحلیل شود. این نظریه‌ها ابزارهای تحلیلی مفیدی فراهم می‌کنند که به درک بهتر دایره وسیع روابط بین‌الملل و تأثیر تحریم‌ها بر دنیای امروز کمک می‌کنند.

۱. تحریم‌های غرب.

پس از الحاق کریمه توسط روسیه در سال ۲۰۱۴ و به‌ویژه پس از آغاز جنگ اوکراین در فوریه ۲۰۲۲، ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا، بریتانیا، کانادا، ژاپن و برخی دیگر از متحدان غربی، مجموعه‌ای از گسترده‌ترین تحریم‌های اقتصادی، مالی، فناوری و انرژی را علیه روسیه اعمال کردند. این تحریم‌ها نه تنها با هدف تغییر رفتار ژئوپلیتیکی روسیه، بلکه برای تضعیف توان اقتصادی، مالی و نظامی این کشور طراحی شدند. در ادامه مهم‌ترین تحریم‌ها، کشورهای اعمال‌کننده و پیامدهای هر یک برای روسیه بررسی می‌شود. ایالات

متحده آمریکا از طریق وزارت خزانه‌داری و دفتر کنترل دارایی‌های خارجی^۱، تحریم‌های متعددی را علیه بخش مالی روسیه اعمال کرد. یکی از مهم‌ترین اقدامات، مسدودسازی دارایی‌های بانک مرکزی روسیه در خارج و محدود کردن دسترسی این کشور به ذخایر ارزی بین‌المللی بود. همچنین بانک‌های بزرگ روسی تحت تحریم قرار گرفتند و دسترسی آن‌ها به نظام مالی آمریکا محدود شد. این اقدام موجب کاهش شدید دسترسی روسیه به ارز خارجی، افزایش فشار بر روبل و دشوار شدن مبادلات مالی بین‌المللی گردید. در هفته‌های نخست جنگ، ارزش روبل سقوط قابل توجهی را تجربه کرد و بانک مرکزی روسیه مجبور شد نرخ بهره را به‌طور اضطراری افزایش دهد تا از بحران ارزی جلوگیری کند (Connolly, 2022: 11).

اتحادیه اروپا نیز مجموعه‌ای از تحریم‌های مالی را تصویب کرد که شامل ممنوعیت سرمایه‌گذاری در شرکت‌های دولتی روسیه، محدودیت در دسترسی بانک‌های روسی به بازارهای مالی اروپا و حذف برخی بانک‌های روسی از سیستم پیام‌رسان مالی سوئیفت^۲ بود. حذف بانک‌های روسی از سوئیفت موجب اختلال جدی در پرداخت‌های بین‌المللی و تجارت خارجی روسیه شد. این اقدام به ویژه بر تجارت انرژی و انتقال درآمدهای صادراتی روسیه تأثیر گذاشت و هزینه مبادلات خارجی این کشور را افزایش داد (European Commission, 2022). در حوزه انرژی، ایالات متحده واردات نفت، گاز طبیعی مایع و زغال سنگ روسیه را ممنوع کرد. اتحادیه اروپا نیز به تدریج واردات نفت دریایی روسیه را کاهش داده و سقف قیمتی برای صادرات نفت روسیه تعیین کرد. کشورهای گروه هفت^۳ نیز با همکاری اتحادیه اروپا، مکانیزم سقف قیمت ۶۰ دلاری برای نفت روسیه را اجرا کردند تا درآمدهای انرژی روسیه کاهش یابد. این تحریم‌ها موجب کاهش درآمدهای ارزی روسیه در کوتاه‌مدت شد، هرچند روسیه با تغییر مسیر صادرات نفت به چین، هند و سایر کشورهای آسیایی بخشی از زیان خود را جبران کرد. با این حال، تخفیف‌های سنگین نفتی و افزایش هزینه حمل‌ونقل، درآمد واقعی صادرات انرژی روسیه را کاهش داد (IEA, 2023: 7).

تحریم‌های فناوری نیز بخش مهمی از سیاست غرب علیه روسیه بود. ایالات متحده، اتحادیه اروپا، ژاپن و کره جنوبی صادرات فناوری‌های پیشرفته، نیمه‌هادی‌ها، تجهیزات مخابراتی و قطعات هوافضا به روسیه را محدود کردند. این تحریم‌ها صنایع نظامی، هوافضا و انرژی روسیه را هدف قرار دادند. برای مثال، شرکت‌های هواپیمایی روسیه به دلیل کمبود

^۱. Office of Foreign Assets Control (OFAC)

^۲. SWIFT

^۳. G7

قطعات و خدمات فنی شرکت های بوئینگ و ایرباس با مشکلات جدی مواجه شدند. همچنین صنایع نفت و گاز روسیه به دلیل محدودیت دسترسی به فناوری حفاری پیشرفته و تجهیزات استخراج در میدین پیچیده، با کاهش ظرفیت توسعه مواجه شدند (OECD, 2023: 15). بریتانیا نیز تحریم‌های گسترده‌ای علیه الیگارشی‌های روس، شرکت‌های دفاعی و بخش بانکی این کشور اعمال کرد. توقیف دارایی‌های افراد نزدیک به دولت روسیه، ممنوعیت سرمایه‌گذاری و محدودیت صادرات کالاهای لوکس به روسیه بخشی از این اقدامات بود. این سیاست‌ها با هدف افزایش فشار بر نخبگان اقتصادی و سیاسی روسیه طراحی شدند تا حمایت داخلی از دولت کاهش یابد (UK Foreign Office, 2022). یکی دیگر از ابعاد مهم تحریم‌ها، محدودیت صادرات کالاهای دو منظوره و تجهیزات نظامی بوده است. اتحادیه اروپا و آمریکا صادرات تجهیزاتی را که می‌توانستند کاربرد نظامی داشته باشند ممنوع کردند. این محدودیت‌ها توانایی روسیه در تولید تجهیزات پیشرفته نظامی، موشکی و الکترونیکی را تحت تأثیر قرار داد و موجب وابستگی بیشتر این کشور به واردات غیررسمی و همکاری با کشورهایمانند چین و ایران شد (CSIS, 2023: 9). با وجود فشارهای گسترده، اقتصاد روسیه به‌طور کامل فرو نپاشید. دولت روسیه با اجرای سیاست‌های جایگزینی واردات، افزایش همکاری اقتصادی با چین، هند و کشورهای عضو بریکس و توسعه نظام‌های پرداخت غیردلاری، بخشی از اثرات تحریم‌ها را مدیریت کرد. روسیه همچنین صادرات انرژی خود را به بازارهای آسیایی منتقل نمود و استفاده از ارزهای محلی در تجارت خارجی را افزایش داد. این روند موجب تقویت همکاری‌های غیرغربی و افزایش تلاش‌ها برای کاهش وابستگی به دلار و نظام مالی غرب شده است (Korhonen et al., 2022: 18).

۲. تقویت همکاری‌های منطقه‌ای

بریکس و مقابله با تحریم‌های غرب. در دهه‌های اخیر، ظهور نهادهای غیر غربی همچون گروه بریکس، متشکل از برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی، به‌عنوان یک بازیگر مهم در نظام بین‌الملل، پاسخی به تحریم‌های غرب و سیاست‌های یکجانبه‌گرایانه این کشورها بوده است. بریکس به‌عنوان یک پلتفرم همکاری اقتصادی و سیاسی، تلاش کرده تا سازوکارهایی برای کاهش وابستگی کشورهای عضو به ساختارهای مالی و اقتصادی غرب ایجاد کند و بدیلی برای نظام بین‌المللی تحت سلطه دلار ارائه دهد. واکنش بریکس به تحریم‌های غرب ایجاد مکانیسم‌های جایگزین مالی یکی از اهداف کلیدی بریکس، کاهش وابستگی کشورهای عضو به نهادهای مالی بین‌المللی تحت کنترل غرب، نظیر صندوق بین‌المللی

پول^۱ و بانک جهانی است. به همین منظور، بریکس در سال ۲۰۱۴ «بانک توسعه جدید»^۲ را تأسیس کرد. این بانک ابزاری برای تأمین مالی پروژه‌های زیرساختی و توسعه‌ای کشورهای عضو است که می‌تواند جایگزینی برای سرمایه‌گذاری‌های وابسته به دلار باشد (Gonzalez, 2020). (45) روسیه نیز در واکنش به تحریم‌های غرب، به‌شدت بر همکاری در بریکس تأکید کرده و تلاش داشته از ظرفیت این بانک برای جذب سرمایه‌گذاری بهره‌برد (کاظمی، ۱۴۰۰: ۱۲۲).

توسعه تجارت میان کشورهای عضو بریکس تلاش کرده تا از طریق تقویت تجارت میان اعضا، وابستگی به بازارهای غربی را کاهش دهد. به‌عنوان مثال، تجارت بین روسیه و چین به‌عنوان دو عضو کلیدی بریکس، به دلیل تحریم‌های غرب علیه روسیه، به‌طور قابل‌توجهی افزایش‌یافته است (Korhonen et al, 2018: 16). این دو کشور توافق‌نامه‌هایی برای تجارت با ارزهای ملی به‌جای دلار آمریکا امضا کرده‌اند که می‌تواند روند «دلاری زدایی» را تسریع کند (Zhou, 2021: 78). مقابله با یک‌جانبه‌گرایی غرب بریکس همچنین به‌عنوان ابزاری سیاسی برای مخالفت با سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایی غرب عمل کرده است. این گروه در بیانیه‌های مشترک خود، تحریم‌های اقتصادی یک‌جانبه را که بدون مجوز شورای امنیت سازمان ملل اعمال می‌شوند، غیرقانونی دانسته و بر لزوم احترام به قوانین بین‌المللی تأکید کرده است (محمدی، ۱۳۹۹: ۱۳۳). همگرایی برای توسعه اقتصادی مستقل کشورهای عضو بریکس، با تمرکز بر ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی مستقل، توانسته‌اند اثرات منفی تحریم‌های غرب را کاهش دهند. برای مثال، روسیه در نتیجه تحریم‌های گسترده پس از ۲۰۱۴، با حمایت بریکس، به توسعه صنایع داخلی و کاهش وابستگی به فناوری‌های غربی روی آورده است (Kassenova, 2020: 33).

چالش‌های بریکس در مقابله با تحریم‌ها تفاوت‌های اقتصادی و سیاسی میان اعضا باوجود تلاش‌های مشترک، تفاوت‌های گسترده در منافع اقتصادی و اولویت‌های سیاسی کشورهای عضو، مانعی برای تحقق اهداف بریکس است. برای مثال، رقابت اقتصادی میان هند و چین بر سر نفوذ در آسیا، همگرایی کامل این گروه را دشوار کرده است (Mehmood, 2022: 12). وابستگی برخی اعضا به غرب برخی اعضای بریکس، مانند برزیل و آفریقای جنوبی، همچنان وابستگی‌های اقتصادی قابل‌توجهی به بازارهای غربی دارند که می‌تواند توانایی این گروه را برای مقابله مؤثر با تحریم‌ها محدود کند (Korhonen et al, 2018: 19).

^۱. IMF

^۲. New Development Bank

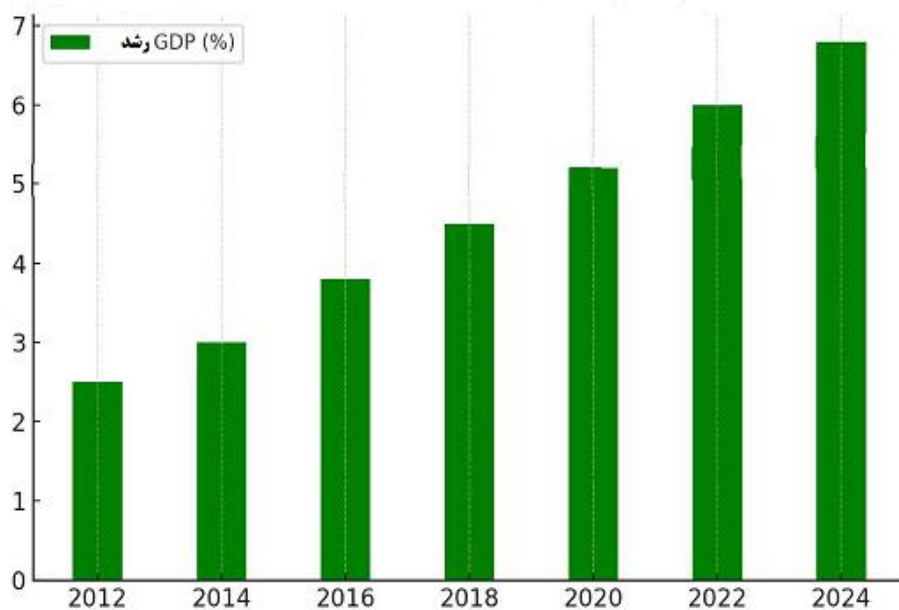
اتحادیه اقتصادی اوراسیا. تأثیر تحریم‌ها بر تقویت همکاری میان اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا تحریم‌های غرب، به‌ویژه علیه روسیه، یکی از عوامل اصلی در تسریع و تعمیق همکاری‌های اقتصادی و سیاسی میان کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا بوده است. افزایش تجارت داخلی میان اعضا تحریم‌های اعمال‌شده علیه روسیه پس از الحاق کریمه در سال ۲۰۱۴، باعث شد این کشور به سمت تجارت بیشتر با اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا حرکت کند. روسیه با جایگزینی واردات کالاهای تحریمی از غرب با تولیدات داخلی و واردات از اعضای اتحادیه، تعاملات اقتصادی با کشورهای عضو را گسترش داده است (Kirkham, 2016: 49). تقویت همگرایی اقتصادی تحریم‌ها باعث افزایش وابستگی متقابل اقتصادی میان اعضای اتحادیه شده‌اند. برای مثال، قزاقستان و بلاروس توانسته‌اند از طریق صادرات به روسیه، اقتصاد خود را تقویت کنند و بازارهای جدیدی پیدا کنند.

(Dragneva & Wolczuk, 2015: 34)

ایجاد سیستم‌های مالی جایگزین اتحادیه اقتصادی اوراسیا، در واکنش به تحریم‌های بانکی غرب، به توسعه سیستم‌های مالی مستقل و ایجاد مکانیسم‌هایی برای تجارت با ارزهای ملی پرداخته است. این اقدام نه تنها وابستگی به دلار آمریکا را کاهش داده، بلکه همکاری اقتصادی میان اعضا را نیز افزایش داده است (Vinokurov, 2017: 26). تقویت همبستگی سیاسی فشارهای خارجی ناشی از تحریم‌ها، اعضای اتحادیه را به اتخاذ مواضع مشترک در عرصه بین‌المللی وادار کرده و همبستگی سیاسی میان آن‌ها را تقویت کرده است (Kassenova, 2020: 37). چالش‌ها تفاوت‌های اقتصادی میان اعضا اختلافات قابل توجه در ساختار اقتصادی کشورهای عضو، به‌ویژه میان روسیه به‌عنوان قدرت مسلط و کشورهای کوچک‌تر مانند قرقیزستان و ارمنستان، باعث کاهش همگرایی اقتصادی شده است (Dragneva & Wolczuk, 2015: 36). اقتصاد بسیاری از کشورهای عضو به‌شدت به روسیه وابسته است و این امر آن‌ها را در برابر تغییرات اقتصادی و سیاسی در روسیه آسیب‌پذیر می‌کند (Kirkham, 2016: 51). کمبود زیرساخت‌های مدرن حمل‌ونقل و انرژی در برخی مناطق اتحادیه، یکی از موانع اصلی توسعه همکاری اقتصادی است (Vinokurov, 2017: 27). تحریم‌های غرب، اتحادیه را به سمت کاهش وابستگی به فناوری و بازارهای غربی سوق داده و فرصتی برای توسعه فناوری‌های بومی فراهم کرده است (Kassenova, 2020: 39). گسترش تجارت داخلی میان اعضا، فرصتی برای افزایش تنوع اقتصادی و کاهش وابستگی به بازارهای خارجی ایجاد کرده است (Popescu, 2014: 14). مشارکت کشورهای آسیایی مانند

چین در پروژه‌های مشترک زیرساختی، می‌تواند فرصت‌های جدیدی برای توسعه منطقه‌ای فراهم کند (Vinokurov, 2017: 30).

نمودار ۱. رشد GDP کشورهای عضو بریکس و اتحادیه اقتصادی اوراسیا قبل و بعد از تحریم‌ها



منبع: تدوین نویسندگان

این نمودار نشان می‌دهد که رشد اقتصادی کشورهای عضو بریکس و اتحادیه اقتصادی اوراسیا پس از افزایش تحریم‌های غربی، روند صعودی داشته است. این امر نشان‌دهنده افزایش تلاش‌ها برای استقلال اقتصادی و کاهش وابستگی به اقتصادهای غربی است.

۳. بررسی رویکردها در قبال تحریم

کاهش وابستگی به دلار. یکی از راهکارهای بریکس و اتحادیه اقتصادی اوراسیا برای مقابله با تحریم‌های غرب، کاهش وابستگی به دلار آمریکا است. این دو بلوک اقتصادی به‌ویژه در سال‌های اخیر به سمت استفاده از ارزهای ملی خود در مبادلات تجاری و مالی حرکت کرده‌اند. در این راستا، کشورهای عضو بریکس مانند چین و روسیه به‌طور گسترده‌ای از یوان و روبل استفاده کرده‌اند و همچنین پروژه‌هایی برای ایجاد سیستم‌های مالی و تجاری

مستقل از دلار به‌ویژه در حوزه‌های نفت و گاز به اجرا درآورده‌اند (Bremmer, 2020: 34). این استراتژی به‌ویژه پس از تحریم‌های غربی که بر روسیه و برخی کشورهای عضو بریکس وارد شد، شدت گرفت. به‌عنوان نمونه، ایجاد سیستم مالی SPFS توسط روسیه و تقویت سیستم مالی CIPS توسط چین، به‌عنوان جایگزینی برای SWIFT نمونه‌ای از این تلاش‌ها است. این رویکردها علاوه بر کاهش وابستگی به غرب، تعاملات مالی و تجاری میان کشورهای عضو را تسهیل کرده است (احمدی، ۱۳۹۸: ۷۸).

جدول ۱. سهم ارزهای محلی در تجارت بین اعضای بریکس و اتحادیه اقتصادی اوراسیا (۲۰۱۲-۲۰۲۴)

سال	سهم ارزهای محلی (%)	سهم دلار آمریکا (%)	سهم یورو (%)
۲۰۱۲	۱۰	۷۰	۲۰
۲۰۱۴	۱۵	۶۵	۲۰
۲۰۱۶	۲۲	۶۰	۱۸
۲۰۱۸	۳۰	۵۵	۱۵
۲۰۲۰	۴۰	۵۰	۱۰
۲۰۲۲	۵۲	۴۲	۶
۲۰۲۴	۶۵	۳۰	۵

منبع: تدوین نویسندگان

این جدول نشان می‌دهد که با افزایش تحریم‌های غربی، کشورهای عضو بریکس و اتحادیه اقتصادی اوراسیا تمایل بیشتری به استفاده از ارزهای محلی در تجارت خود پیدا کرده‌اند. این تغییر به‌ویژه پس از سال ۲۰۱۴، هم‌زمان با اعمال تحریم‌های شدیدتر علیه روسیه، سرعت بیشتری گرفته است.

نقش بانک توسعه بریکس. بانک توسعه بریکس به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای مالی این گروه، نقش زیادی در تأمین مالی پروژه‌های زیرساختی در کشورهای عضو ایفا می‌کند. این بانک به‌ویژه پس از تحریم‌های اقتصادی علیه روسیه و سایر کشورهای درحال توسعه، نقش مهمی در کاهش وابستگی به سیستم‌های مالی غربی ایفا کرده است (Ming, 2021: 87). اتحادیه اقتصادی اوراسیا نیز با استفاده از این بانک و سایر نهادهای مالی منطقه‌ای، به تقویت همکاری‌های اقتصادی و مالی خود پرداخته است. تحریم‌ها موجب تقویت نهادهای مالی مستقل شده‌اند. به‌عنوان مثال، بانک توسعه جدید که توسط بریکس

تأسیس شده است، نقش مهمی در تأمین مالی پروژه‌های زیرساختی و کاهش وابستگی به وام‌های مؤسسات مالی غربی دارد. این بانک توانسته است از تحریم‌های غربی علیه برخی اعضا عبور کرده و نیازهای مالی آن‌ها را برطرف کند (سمیعی، ۱۴۰۳: ۶۰). هر دو سازمان به سمت توسعه نهادهای مالی مستقل حرکت کرده‌اند. بانک توسعه جدید بریکس که باهدف تقویت زیرساخت‌های اقتصادی در کشورهای در حال توسعه تشکیل شده است، می‌تواند در مقابل تحریم‌های اقتصادی و فشارهای مالی غرب به کمک اعضای خود بیاید. این نهاد به‌ویژه در تأمین مالی پروژه‌های بلندمدت و زیرساختی در کشورهای عضو بریکس و اتحادیه اقتصادی اوراسیا نقش مهمی ایفا می‌کند (مرادی حقیقی، ۱۴۰۱: ۵۸).

تجارت با کشورهای غیرغربی. بریکس و اتحادیه اقتصادی اوراسیا به‌ویژه در شرایط تحریم‌های غرب، سیاست‌های دیپلماسی اقتصادی را در راستای تقویت روابط تجاری با کشورهای غیرغربی مانند کشورهای آسیای مرکزی و آفریقایی پیش برده‌اند. این گروه‌ها با استفاده از ابزارهای اقتصادی و دیپلماتیک به دنبال تسهیل تجارت در چارچوب توافقات دو یا چندجانبه بوده‌اند (Sokolov, 2022: 102). این رویکرد، به‌ویژه از زمان آغاز جنگ در اوکراین، به‌طور گسترده‌ای گسترش یافته است. تحریم‌های غرب باعث شده است کشورهای عضو بریکس و اتحادیه اقتصادی اوراسیا سیاست‌های جایگزینی واردات و افزایش تجارت درون منطقه‌ای را در دستور کار قرار دهند. برای مثال، روسیه پس از تحریم‌های گسترده غرب، صادرات مواد غذایی از کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا را جایگزین واردات از اتحادیه اروپا کرد. این اقدام موجب افزایش تعاملات تجاری میان اعضای اتحادیه شد (مرادی حقیقی، ۱۴۰۰: ۵۶). تحریم‌های غربی به‌عنوان یک عامل محرک، باعث تقویت همکاری‌ها و تعاملات درون منطقه‌ای در هر دو سازمان شده‌اند. در مورد روسیه، تحریم‌های اقتصادی غرب منجر به تقویت روابط با کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا و توسعه سیاست‌های جانشینی واردات شده است (فخاری، ۱۴۰۱: ۸۸-۹۰).

همکاری در حوزه انرژی. روسیه به‌عنوان یکی از اعضای برجسته بریکس و اتحادیه اقتصادی اوراسیا، همکاری‌های انرژی را با سایر اعضای این گروه تقویت کرده است. پس از تحریم‌های غرب، روسیه به‌طور ویژه در زمینه صادرات انرژی به چین و سایر کشورهای آسیایی فعالیت‌های خود را افزایش داده است. کشورهای بریکس و اتحادیه اوراسیا به‌ویژه در تأمین منابع انرژی برای بازارهای داخلی و بین‌المللی، به دنبال ایجاد زیرساخت‌هایی هستند که از وابستگی به غرب جلوگیری کند (Patel, 2020: 119). منابع طبیعی و بازارهای بزرگ

یکی از بزرگ‌ترین ظرفیت‌های هر دو سازمان، منابع طبیعی فراوان و بازارهای گسترده است که امکان تقویت تعاملات اقتصادی و تجاری درون منطقه‌ای را فراهم می‌آورد. روسیه و کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا از منابع عظیم انرژی برخوردارند که می‌تواند در جهت تقویت همکاری‌ها و تأمین نیازهای انرژی درون منطقه‌ای به کار گرفته شود. همچنین، چین به‌عنوان بزرگ‌ترین اقتصاد آسیایی، می‌تواند به تقویت روابط اقتصادی با کشورهای دیگر در بریکس و اتحادیه اوراسیا کمک کند (احمدی، ۱۳۹۸: ۶۸).

راهکارهای حقوقی. بریکس و اتحادیه اقتصادی اوراسیا تلاش کرده‌اند تا چارچوب‌های حقوقی و تنظیم‌گری مستقلی برای مقابله با تحریم‌ها ایجاد کنند. این دو گروه به‌ویژه در تلاش هستند تا قراردادهایی را برای ایجاد سازوکارهای قانونی جدید و سیستم‌های داوری مستقل در برابر فشارهای اقتصادی بین‌المللی امضا کنند. این اقدامات به‌ویژه در زمینه‌های تجاری و مالی اهمیت دارد (Zhang & Liu, 2019: 76).

توسعه زیرساخت‌ها. در راستای مقابله با تحریم‌ها و تقویت تجارت منطقه‌ای، بریکس و اتحادیه اقتصادی اوراسیا پروژه‌های بزرگ زیرساختی برای بهبود حمل‌ونقل و تجارت در داخل و بین کشورهای عضو آغاز کرده‌اند. این پروژه‌ها شامل کریدورهای حمل‌ونقل جدید، ایجاد بنادر و خطوط ریلی جدید است که موجب تسهیل تجارت با کشورهای غیرغربی می‌شود (Zhu, 2022: 66). تحریم‌های غربی بر صادرات فناوری‌های پیشرفته به روسیه و چین، این کشورها را به سمت توسعه همکاری‌های فناورانه در چارچوب بریکس سوق داد. به‌عنوان نمونه، همکاری روسیه و هند در زمینه توسعه فناوری‌های مخابراتی و اطلاعاتی به‌عنوان یک پاسخ مستقیم به این تحریم‌ها عمل کرده است (فخاری، ۱۴۰۱: ۶۸).

۴. محدودیت‌ها و چالش‌ها

باوجود ظرفیت‌های قابل توجه بریکس و اتحادیه اقتصادی اوراسیا در کاهش آثار تحریم‌های غربی، این دو سازوکار منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با محدودیت‌ها و چالش‌های متعددی مواجه‌اند که می‌تواند میزان موفقیت آن‌ها را در مقابله با فشارهای اقتصادی و مالی غرب کاهش دهد. تفاوت در ساختارهای سیاسی و اقتصادی اعضا، وابستگی به اقتصادهای غربی، ضعف در ایجاد نظام مالی مستقل و اختلافات ژئوپلیتیکی میان اعضا، از مهم‌ترین موانع پیش روی این سازمان‌ها محسوب می‌شود. یکی از مهم‌ترین چالش‌های بریکس و اتحادیه اقتصادی اوراسیا، تفاوت‌های گسترده اقتصادی و سیاسی میان اعضای آن‌ها است. در

بریکس، کشورهایمانند چین و هند از اقتصادهایی بزرگ، صنعتی و دارای نفوذ جهانی برخوردارند، درحالی که کشورهایمانند آفریقای جنوبی و برزیل بیشتر به صادرات مواد خام و کالاهای اولیه وابسته‌اند. این تفاوت‌ها موجب شده است که اعضا در زمینه سیاست‌های تجاری، مالی و حتی نحوه مواجهه با تحریم‌های غرب، رویکردهای متفاوتی داشته باشند. برای نمونه، چین و هند باوجود انتقاد از تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا و اتحادیه اروپا، همچنان روابط تجاری گسترده‌ای با اقتصادهای غربی دارند و از تقابل مستقیم اقتصادی با غرب پرهیز می‌کنند (مرادی حقیقی، ۱۴۰۱: ۴۸). این مسئله هماهنگی راهبردی در بریکس را با دشواری مواجه می‌سازد.

در اتحادیه اقتصادی اوراسیا نیز عدم توازن اقتصادی میان اعضا از مهم‌ترین موانع همگرایی عمیق اقتصادی به شمار می‌رود. روسیه به‌عنوان قدرت اصلی این اتحادیه، سهم عمده‌ای از تولید ناخالص داخلی، تجارت و سرمایه‌گذاری منطقه‌ای را در اختیار دارد، درحالی که کشورهایمانند ارمنستان و قرقیزستان اقتصادهایی کوچک و وابسته دارند. این مسئله باعث شده است برخی اعضا نگران افزایش نفوذ اقتصادی و سیاسی روسیه در ساختار اتحادیه باشند (احمدی، ۱۳۹۸: ۸۰). افزون بر این، اختلافات سیاسی و امنیتی میان اعضا نیز روند همکاری‌های منطقه‌ای را با محدودیت مواجه می‌کند. اختلاف‌نظر میان روسیه و قزاقستان درباره برخی مسائل امنیتی و اقتصادی نمونه‌ای از این چالش‌ها است (فخاری، ۱۴۰۱: ۶۹). وابستگی اعضای بریکس و اتحادیه اقتصادی اوراسیا به اقتصادهای غربی نیز از دیگر چالش‌های مهم این سازمان‌ها به شمار می‌رود. اگرچه هدف اصلی این کشورها کاهش وابستگی به غرب و حرکت به‌سوی نظم اقتصادی چندقطبی است، اما بخش مهمی از صادرات انرژی، مواد خام و کالاهای صنعتی آن‌ها همچنان به بازارهای اروپا و آمریکا وابسته است. روسیه تا پیش از جنگ اوکراین بخش عمده صادرات نفت و گاز خود را به کشورهای اروپایی انجام می‌داد و درآمدهای ارزی قابل توجهی از این مسیر به دست می‌آورد (سمیعی، ۱۴۰۳: ۶۲). همچنین چین نیز باوجود تلاش برای توسعه نظام مالی مستقل، همچنان وابستگی بالایی به بازارهای مصرفی غرب و نظام مالی مبتنی بر دلار دارد. این وابستگی‌ها موجب می‌شود اعضای این سازمان‌ها در برابر تحریم‌های مالی و تجاری غرب همچنان آسیب‌پذیر باقی بمانند. یکی دیگر از محدودیت‌های مهم، ضعف در ایجاد نهادهای مالی مستقل از ساختارهای اقتصادی غرب است. اگرچه بریکس با تأسیس «بانک توسعه جدید» و اتحادیه اقتصادی اوراسیا با توسعه همکاری‌های پولی و بانکی منطقه‌ای تلاش کرده‌اند

وابستگی به دلار و نظام مالی غرب را کاهش دهند، اما این اقدامات هنوز نتوانسته اند جایگزینی کامل برای نهادهایی مانند صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و سیستم سوئیفت ایجاد کنند. نبود هماهنگی پولی، محدود بودن استفاده از ارزهای ملی در تجارت و تفاوت سطح توسعه اقتصادی اعضا، از مهم‌ترین موانع در مسیر شکل‌گیری یک نظام مالی مستقل محسوب می‌شود (Baker, 2021: 94).

از سوی دیگر، تفاوت در ساختار و اهداف دو سازمان نیز بر نوع واکنش آن‌ها به تحریم‌ها تأثیرگذار است. اتحادیه اقتصادی اوراسیا بیشتر بر یکپارچگی اقتصادی منطقه‌ای، حذف تعرفه‌های تجاری و ایجاد بازار مشترک تمرکز دارد، درحالی‌که بریکس بیشتر یک چارچوب همکاری سیاسی و اقتصادی میان قدرت‌های نوظهور است و از انسجام نهادی کمتری نسبت به اتحادیه‌های منطقه‌ای برخوردار است (مرادی حقیقی، ۱۴۰۱: ۵۵-۶۰). این تفاوت ساختاری موجب شده است که میزان هماهنگی و سرعت تصمیم‌گیری در دو سازمان متفاوت باشد. علاوه بر این، رقابت‌های ژئوپلیتیکی و اختلافات داخلی میان اعضا نیز از دیگر موانع مهم در مسیر همگرایی محسوب می‌شود. رقابت راهبردی میان چین و هند، اختلافات مرزی دو کشور و تفاوت دیدگاه آن‌ها درباره نظم بین‌الملل، در برخی موارد مانع اتخاذ مواضع مشترک در بریکس شده است. در اتحادیه اقتصادی اوراسیا نیز برخی اعضا نسبت به افزایش وابستگی اقتصادی و سیاسی به روسیه نگرانی‌هایی دارند که این مسئله می‌تواند روند همکاری‌های بلندمدت را تحت تأثیر قرار دهد. باوجود این چالش‌ها، بریکس و اتحادیه اقتصادی اوراسیا همچنان ظرفیت‌های مهمی برای کاهش آثار تحریم‌ها و تقویت همکاری‌های غیرغربی در اختیار دارند. منابع طبیعی گسترده، بازارهای بزرگ مصرف، ظرفیت‌های بالای انرژی و توسعه تجارت با ارزهای ملی، از مهم‌ترین ابزارهای این کشورها برای مقابله با فشارهای اقتصادی غرب محسوب می‌شود. همچنین توسعه همکاری‌های جنوب - جنوب، ایجاد مسیرهای تجاری جایگزین و تقویت نهادهای مالی منطقه‌ای می‌تواند در بلندمدت به کاهش وابستگی اعضا به اقتصادهای غربی کمک کند (فخاری، ۱۴۰۱: ۷۱).

نتیجه‌گیری

بررسی تحولات سیاسی و اقتصادی سال‌های اخیر نشان می‌دهد که تحریم‌های غرب، به‌ویژه تحریم‌های اعمال‌شده از سوی ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا و متحدان آن‌ها علیه روسیه، چین و ایران، تأثیر قابل‌توجهی بر روند شکل‌گیری و تقویت همکاری‌های منطقه‌ای و

فرامنطقه‌ای در قالب بریکس و اتحادیه اقتصادی اوراسیا داشته است. این تحریم‌ها که با هدف محدودسازی توان اقتصادی، مالی و ژئوپلیتیکی کشورهای هدف اعمال شدند، در عمل به عاملی برای تسریع همگرایی میان قدرت‌های غیرغربی تبدیل شده‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که پس از تشدید تحریم‌ها، به‌ویژه از سال ۲۰۱۲ به بعد و سپس پس از بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴ و جنگ ۲۰۲۲، کشورهای عضو بریکس و اتحادیه اقتصادی اوراسیا به سمت توسعه سازوکارهای مستقل اقتصادی و مالی حرکت کرده‌اند. افزایش استفاده از ارزهای ملی در مبادلات تجاری، تلاش برای کاهش وابستگی به دلار آمریکا، توسعه بانک‌های منطقه‌ای و ایجاد مسیرهای تجاری جایگزین، از مهم‌ترین اقدامات این کشورها در واکنش به فشارهای غرب بوده است. تأسیس «بانک توسعه جدید» توسط بریکس و گسترش همکاری‌های بانکی و گمرکی در اتحادیه اقتصادی اوراسیا را می‌توان بخشی از این روند دانست. تحلیل داده‌های اقتصادی و تجاری نشان می‌دهد که تحریم‌ها موجب تغییر در جهت‌گیری تجارت خارجی کشورهای هدف شده است. روسیه پس از تحریم‌های گسترده غرب، صادرات انرژی خود را بیش‌ازپیش به سمت بازارهای آسیایی، به‌ویژه چین و هند، هدایت کرده و هم‌زمان تلاش نموده وابستگی خود به بازارهای اروپایی را کاهش دهد. همچنین چین و روسیه استفاده از یوان و روبل را در مبادلات دوجانبه افزایش داده‌اند که این مسئله بیانگر تلاش برای کاهش سلطه دلار در تجارت بین‌المللی است. در کنار آن، ایران نیز در سال‌های اخیر همکاری‌های اقتصادی و ترانزیتی خود را با روسیه، چین و اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا توسعه داده و به سمت پیوند بیشتر با ساختارهای اقتصادی غیرغربی حرکت کرده است.

بررسی عملکرد بریکس نشان می‌دهد که این سازمان به‌تدریج از یک چارچوب همکاری اقتصادی میان اقتصادهای نوظهور، به بستری برای هماهنگی سیاسی و اقتصادی در برابر فشارهای غربی تبدیل شده است. گسترش عضویت بریکس و پیوستن کشورهای جدید از خاورمیانه، آفریقا و آمریکای لاتین، نشان‌دهنده افزایش جذابیت این بلوک در میان کشورهای در حال توسعه است. این روند می‌تواند به تقویت همکاری‌های جنوب – جنوب و افزایش وزن اقتصادی و سیاسی قدرت‌های غیرغربی در نظام بین‌الملل منجر شود. در مقابل، اتحادیه اقتصادی اوراسیا نیز تلاش کرده است با حذف موانع تجاری، توسعه بازار مشترک و همکاری با پروژه‌هایی مانند «کمر بند و جاده» چین، ظرفیت‌های اقتصادی منطقه اوراسیا را تقویت کند. روسیه به عنوان بازیگر اصلی این اتحادیه، نقش مهمی در هدایت سیاست‌های

مقابله با تحریم‌ها و گسترش همکاری با اقتصادهای آسیایی ایفا کرده است. با این حال، بررسی‌ها نشان می‌دهد که وابستگی اعضای این اتحادیه به اقتصاد روسیه، اختلافات سیاسی میان برخی اعضا و محدودیت‌های ساختاری، روند همگرایی کامل اقتصادی را با چالش مواجه کرده است.

یافته‌های پژوهش همچنین نشان می‌دهد که با وجود موفقیت نسبی بریکس و اتحادیه اقتصادی اوراسیا در کاهش بخشی از آثار تحریم‌ها، این سازمان‌ها هنوز نتوانسته‌اند جایگزینی کامل برای ساختارهای اقتصادی و مالی غرب ایجاد کنند. وابستگی بخش مهمی از تجارت جهانی به دلار، نفوذ گسترده نهادهای مالی غربی و تفاوت سطح توسعه اقتصادی میان اعضا، همچنان از مهم‌ترین موانع پیش روی این سازمان‌ها محسوب می‌شود. علاوه بر این، رقابت‌های ژئوپلیتیکی میان برخی اعضا، به‌ویژه چین و هند و تفاوت در اولویت‌های اقتصادی و سیاسی کشورها، مانع از شکل‌گیری یک اتحاد کاملاً منسجم شده است. در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که تحریم‌های غرب، برخلاف هدف اولیه خود که تضعیف و انزوای کشورهای هدف بود، در مواردی به تقویت همکاری‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای میان قدرت‌های غیرغربی منجر شده است. بریکس و اتحادیه اقتصادی اوراسیا تلاش کرده‌اند با توسعه همکاری‌های اقتصادی، مالی و تجاری، بخشی از وابستگی خود به ساختارهای غربی را کاهش دهند و زمینه‌های شکل‌گیری نظم اقتصادی چندقطبی را فراهم سازند. هرچند این روند هنوز با محدودیت‌ها و چالش‌های جدی مواجه است، اما تداوم تحولات کنونی می‌تواند در بلندمدت به افزایش نقش قدرت‌های نوظهور و تغییر تدریجی توازن قدرت در اقتصاد سیاسی بین‌الملل منجر شود.

منابع

فارسی

- احمدی، س (۱۳۹۸)، تحلیل تطبیقی مؤلفه‌های سیاسی و اقتصادی بی‌ثباتی‌های سیاسی در کشورهای عضو بریکس، *مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل*، ۲(۴)، ۶۷-۹۵.
- احمدی، م. (۱۳۹۸)، بررسی چالش‌های اقتصادی و سیاسی اتحادیه اقتصادی اوراسیا. *فصلنامه مطالعات منطقه‌ای*، ۱۲(۳)، ۷۵-۹۰.
- بسانکو، س؛ و براتیگام، د (۲۰۱۰)، «علم اقتصاد: انتخاب مقید»، ترجمه: ع. فرهادی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- رضوی، ح (۱۳۹۸)، بررسی فرصت‌ها و چالش‌های اتحادیه اقتصادی اوراسیا، **فصلنامه مطالعات منطقه‌ای اوراسیا**، ۵(۲)، ۴۵-۶۰.
- سمیعی، ع (۱۴۰۳)، اندیشه اورآسیاگرایی در استراتژی جهانی روسیه، **حقیقت**، ۲(۴)، ۵۵-۷۵.
- سمیعی، ع. (۱۴۰۳). «**تحریم‌های اقتصادی و نظم نوین جهانی**». تهران: انتشارات سمت.
- شکویی، ح (۱۳۸۳)، نقش ایدئولوژی در سرنوشت جامعه و اقتصاد، **مطالعات منطقه‌ای**، ۸(۲)، ۲۳-۴۵.
- علیزاده، م (۱۴۰۰)، تأثیر تحریم‌های غرب بر تقویت همگرایی در اتحادیه اقتصادی اوراسیا، **پژوهشنامه اقتصاد بین‌الملل**، ۱۲(۳)، ۱۲۱-۱۳۸.
- فخاری، ر (۱۴۰۱)، مقایسه تطبیقی منافع هند از عضویت در سازمان همکاری‌های شانگهای و گروه بریکس (۲۰۲۱-۱۹۹۶)، **پژوهش ملل**، ۷۹، ۶۷-۹۵.
- فخاری، ر. (۱۴۰۱). همکاری‌های اقتصادی و امنیتی در اتحادیه اقتصادی اوراسیا و بریکس. **پژوهشنامه روابط بین‌الملل**، ۱۸(۲)، ۶۵-۷۴.
- کاظمی، س. (۱۴۰۰). تأثیر بریکس در کاهش اثرات تحریم‌ها: مطالعه‌ای تطبیقی، **فصلنامه مطالعات بین‌المللی تحریم‌ها**، ۹(۲)، ۴۵-۶۵.
- کونتسمان، ی (۲۰۱۶)، «**امنیت اقتصادی**»، ترجمه: م. رضایی. تهران: نشر نی.
- محمدی، م (۱۳۹۹)، نقش بانک توسعه بریکس در گذار از هژمونی دلار، **پژوهشنامه اقتصاد بین‌الملل**، ۱۲(۳)، ۱۰۲-۱۲۰.
- مرادی حقیقی، ف (۱۴۰۱)، منطقه‌گرایی ایران با سازمان همکاری شانگهای در مقایسه با اتحادیه اقتصادی اوراسیا، **مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل**، ۳(۲)، ۴۵-۷۰.
- مرادی حقیقی، س. (۱۴۰۱). «**بریکس و چالش‌های نظم اقتصادی چندقطبی**». تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

لاتین

- Acharya, A (2016), «**The Making of Southeast Asia: International Relations of a Region**», Cornell University Press.
- Bremmer, I. (2020). «**The Power of the Dollar: The Impact of Financial Sanctions on Global Economics**». Oxford University Press.
- Baker, R. (2021). The Challenges of Creating a Non-Western Financial System: The Case of BRICS and EAEU. **Journal of Global Finance**, 28(2), 90-97.
- Baker, A. (2021). Emerging financial governance and the BRICS countries. **Review of International Political Economy**, 28(4), 879-902.
<https://doi.org/10.1080/09692290.2020.1812445>
- Connolly, R. (2018). «**Russia's Response to Sanctions: How Western Economic Statecraft is Reshaping Political Economy in Russia**». Cambridge University Press.
- Connolly, R. (2022). «**The Russian economy under sanctions**». Royal United Services Institute (RUSI).
- Dragneva, R, & Wolczuk, K (2015), Eurasian Economic Integration: Institutions, Promises, and Faultlines. **Geopolitics**, 20(3), 23-40.
- Esfahani, H. S., & Pesaran, M. H. (2009). The Iranian Economy in the Twentieth Century: A Global Perspective. **Iranian Studies**, 42(2), 177-211.

- Ettne, B., & Söderbaum, F. (2000). Theorising the Rise of Regionness. **New Political Economy**, 5(3), 457-473.
- European Commission. (2022). «**EU Restrictive Measures Against Russia over Ukraine. European Commission**». <https://commission.europa.eu>
- Galtung, J. (1967). On the Effects of International Economic Sanctions: With Examples from the Case of Rhodesia. **World Politics**, 19(3), 378-416. <https://doi.org/10.2307/2009785>
- Gonzalez, M (2020), The Role of BRICS in Reforming Global Financial Governance. **Journal of Global Studies**, 12(3), 40-50.
- Hettne, B (2017), «**Beyond the Nation-State: The Rise of Regionalization**», The Globalization of World Politics: An Introduction to International Relations. Oxford University Press.
- Hufbauer, G. C, Schott, J. J., Elliott, K. A., & Oegg, B (2007), «**Economic Sanctions Reconsidered**». Peterson Institute for International Economics.
- Ibman, A., & Vinokurov, E. (2012). **Eurasian Integration: Challenges of Transcontinental Regionalism**. Palgrave Macmillan.
- International Energy Agency (IEA). (2023). **Russian Energy Exports and Sanctions. IEA**. <https://www.iea.org>
- Jones, B (2020), «**Non-Western Cooperation in the 21st Century: The Case of BRICS**». Oxford University Press.
- Johnson, A (2021), The Impact of Western Sanctions on Regional Organizations: A Study of BRICS and the Eurasian Economic Union, **International Journal of Political Science**, 15(3), 75-90.
- Katzenstein, P. J (2018), «**A World of Regions: Asia and Europe in the American Imperium**». Cornell University Press.
- Korhonen, I., Simola, H., & Solanko, L (2018), «**Sanctions, Counter-Sanctions and Firms in Russia. BOFIT Policy Brief**», Bank of Finland Institute for Economies in Transition.
- Korhonen, I., Simola, H., & Solanko, L. (2022). The Effects of Western Sanctions on Russia and its Economy. **BOFIT Policy Brief**, 2022(3), 1-22.
- Kassenova, N (2020), Eurasian Economic Union: Prospects and Challenges. **Central Asian Studies Journal**, 19(2), 33-45.
- Kirkham, K (2016), The Eurasian Economic Union: Prospects and Challenges. **European Politics and Society**, 17(1), 46-56.
- Kirkham, K (2022), The Eurasian Economic Union: Integration, Development, and Cooperation. **Journal of Eurasian Studies**, 13(2), 134-147.
- Martin, F., & Sutter, A (2018), Regional organizations and global governance. Routledge
- Mearsheimer, J. J (2019), "**The Tragedy of Great Power Politics**", W. W. Norton & Company.
- Mehmood (2022), Challenges of Economic Integration in BRICS. **International Journal of Economic Studies**, 8(4), 10-20.
- Ming, W. (2021). Financial cooperation in Eurasia: The role of the BRICS and EAEU banks. **Journal of Eurasian Economic Studies**, 12(2), 85-9
- O'Neill, J (2021), "**The Growth Map: Economic Opportunity in the BRICs and Beyond**". Penguin Books.
- OECD. (2023). **The Economic and Social Impact of Sanctions on Russia**. Organisation for Economic Co-operation and Development. <https://www.oecd.org>
- Oderbaum, F. (2003). Introduction: Theories of New Regionalism. In F. Söderbaum & T. M. Shaw (Eds.), **Theories of New Regionalism** (pp. 1-21). Palgrave Macmillan.

- Portela, C (2010), "**European Union Sanctions and Foreign Policy: When and Why Do They Work?**" Routledge.
- Peterson, S., & Dicky, L (2016), "**Economic Sanctions and International Relations**", Cambridge University Press.
- Popescu, N (2014), Eurasian Union: The Real, the Imaginary, and the Likely. **ISS Report**, 1-20.
- Portela, C (2010), **European Union Sanctions and Foreign Policy: When and Why Do They Work?** Routledge.
- Patel, A. (2020). Energy Security and Cooperation: The Role of BRICS and EAEU in the Global Energy Market. **Energy Policy**, 134(5), 115-122.
- Smith, R (2020), Interdependence in a Globalized World: The Role of Sanctions, **Global Affairs**, 12(2), 43-60.
- Sokolov, M. (2022). Economic diplomacy in BRICS and EAEU: Strategies for Strengthening Non-Western Partnerships. **Global Economic Review**, 29(3), 98-104.
- Tuenkel, O. (2015). «**The BRICS and the Future of Global Order**». Lexington Books.
- UK Foreign, Commonwealth & Development Office. (2022). **UK Sanctions Relating to Russia. UK Government**. <https://www.gov.uk>
- Vinokurov, E (2017), Eurasian Economic Union: Current State and Preliminary Results. **Russian Journal of Economics**, 3(1), 17-34.
- Waltz, K (2018), "**Theory of International Politics. McGraw-Hill Education. Western Economic Statecraft is Reshaping Political Economy in Russia**". Cambridge University Press.
- Weisbrot, M., & Sachs, J (2019), Economic Sanctions as Collective Punishment: The Case of Venezuela. **Center for Economic and Policy Research**, 1-12.
- Zhou, L (2021), Trade and Finance in BRICS: Pathways to De-Dollarization. **Asian Economic Policy Review**, 16(2), 75-85.
- Zhang, J., & Liu, H. (2019). Legal Frameworks for Economic Cooperation in BRICS and EAEU: Responses to International Sanctions. **International Journal of Law and Economics**, 42(4), 71-78
- Zhu, X. (2022). Infrastructure Development and Logistics Cooperation in BRICS and EAEU. **Eurasian Economic Review**, 35(1), 64-70.